



چالش‌های ساختاری بین‌المللی پساجنگ سرد و پیامدهای آن بر مسائل امنیتی جهان معاصر رحیم پیری^۱

۲۹

چکیده

فروپاشی نظام دو قطبی و واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، نقطه‌ی عطفی در ساختار نظام بین‌الملل پدید آورد و در سال‌های ابتدای هزاره سوم موجب شکاف قدرت و مسائل امنیتی جدیدی در جهان شده است که بررسی آثار و پیامدهای آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد که مقاله حاضر بر آن است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و کاربست نظریه نواقعی‌گرایی تهاجمی این موضوع را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که چالش‌های ساختاری بین‌المللی پساجنگ سرد چگونه بر مسائل امنیتی جهان معاصر تأثیر می‌گذارند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دوره‌ی پساجنگ سرد ایالات متحده آمریکا به منظور حفظ وضعیت موجود و ادامه برتری خود با تشکیل نیروی فضایی، افزایش هزینه‌های نظامی، صادرات سلاح و گسترش حضور نظامی در مناطق مختلف جهان رویکردیک جانبه‌گرایانه و میلیتاریستی را در دستور کار خود قرار داده و با استفاده‌ی ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی و خروج از معاهدات موجب تضعیف نهادها بین‌المللی، درصدد جلوگیری از چندجانبه‌گرایی است؛ هم‌چنین در راستای جهانی سازی و گسترش لیبرال دموکراسی با پوشش‌های بشردوستانه حاکمیت کشورها را نقض و با سیاست نگاه به شرق، طرح ایده‌ی اروپای جدید در مقابل اروپای قدیم را تقویت و از سوی دیگر با کاهش اتکا بر نهادهای دائمی و تشکیل ائتلاف‌های موقت ضمن واگرایی با برخی از متحدین خود در ناتو سبب افزایش رقابت با سایر قدرت‌های بزرگ و موجب شکل‌گیری ائتلاف‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های جدید در جهان شده است.

کلیدواژه‌ها: چالش، پساجنگ سرد، یک جانبه‌گرایی، جهانی سازی، مداخله.

دوره ۸، شماره ۲، پاییز ۲۹

تابستان ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۴/۰۳

صص: ۱۶۱-۱۳۳

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



Q4

۱. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

فروپاشی اتحاد شوروی به عنوان یکی از قطب‌های دوران جنگ سرد و حادثه ۱۱ سپتامبر، ساختار نظام بین‌الملل را دگرگون و فرصت بی بدیلی در اختیار مراکز قدرت و تصمیم سازان ایالات متحده قرارداد تا از نظم نوین جهانی مورد نظر خود رونمایی نمایند. آمریکا با اتکا به برتری عناصر قدرت مادی خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، فناوری و جغرافیایی تلاش کرد تا سهم خود را از قدرت جهانی بیشینه و از کسب قدرت و شکل‌گیری هرگونه موازنه جدید توسط رقبای خود جلوگیری نماید که جلوه‌هایی از این رویکرد در راهبرد دولت‌های گذشته آمریکا کاملاً مشهود است؛ به گونه‌ای که هژمون بودن، رهبری آمریکا در قرن ۲۱، افزایش نفوذ، بازگرداندن آمریکا به دوران اوج شکوه و عظمت خود در ابعاد نظامی و اقتصادی، تشکیل ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا از کلید واژه‌های اصلی سند راهبرد امنیت ملی ترامپ در سال ۲۰۱۷ بود که در قالب سیاست‌های یک جانبه‌گرایی، تضعیف نهادها و رژیم‌های بین‌المللی، بسط و گسترش جهانی‌سازی لیبرال دموکراسی و شکل‌گیری ائتلاف‌ها ظهور و بروز یافته است. از این رو، بررسی و تبیین موارد فوق و تأثیر آن‌ها بر مسائل امنیتی جهان معاصر از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که چالش‌های اساسی ساختاری بین‌المللی پساجنگ سرد چگونه بر مسائل امنیتی جهان معاصر تأثیر دارند؟ در پاسخ به پرسش اصلی می‌توان گفت: فرضیه‌ای که این مقاله به دنبال ارزیابی آن در چارچوب نواقح گرای می‌باشد این است که، چالش‌های ساختاری بین‌المللی پساجنگ سرد از طریق یک جانبه‌گرایی، تضعیف نهادها و رژیم‌های بین‌المللی، جهانی‌سازی لیبرال دموکراسی، ائتلاف‌سازی در برابر قدرت هژمون سبب رشد نظامی‌گری و اقدامات میلیتاریستی، تضعیف چندجانبه‌گرایی و افزایش واگرایی، افزایش مداخله در امور کشورها و تحدید منافع و حاکمیت کشورها و افزایش رقابت بین قدرت‌های بزرگ می‌شود.

به منظور بررسی فرضیه مذکور ابتدا به پیشینه پژوهش پرداخته و پس از آن چارچوب مفهومی و نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه مهمترین چالش‌های ساختاری و مسائل امنیتی جهان معاصر شناسایی، شاخص‌سازی و در قالب چارچوب نظری تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند، در پایان نتیجه‌گیری و شرایط پیش‌روی ارائه خواهد شد.

۱. پیشینه

بررسی مطالعات علمی و پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که تحقیقی با موضوع حاضر صورت نگرفته و از سوی دیگر تحلیل و واکاوی مهمترین چالش‌های ساختاری بین‌المللی و تاثیر آن بر مسائل امنیتی جهان معاصر یکی از موضوعاتی مهمی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از متغیر مستقل چالش‌های ساختاری و متغیر وابسته مسائل امنیتی جهان معاصر تشکیل شده است؛ و شیوهی جمع‌آوری اطلاعات به صورت بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای، اینترنتی و از منابع معتبر داخلی و خارجی خواهد بود و با کاربست روش توصیفی - تحلیلی مهمترین متغیرهای ارائه شده، در چارچوب نظریه نو واقع‌گرایی تهاجمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

واقع‌گرایی ساختاری^۱ یا نواقح‌گرایی^۲ نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که قدرت را مهمترین عامل در روابط بین‌الملل می‌داند. کنت والتز آن را به واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی تقسیم کرده است. واقع‌گرایی تهاجمی به دنبال قدرت و نفوذ برای دستیابی به امنیت از طریق برتری و سلطه است. از سوی دیگر، رئالیسم تدافعی استدلال می‌کند که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، دولت‌ها را تشویق می‌کند برای تأمین امنیت خود سیاست‌های متعادل و بازدارنده‌ای را اتخاذ نمایند (E.Lobell, 2017). ایده اصلی واقع‌گرایی تهاجمی این است که یک دولت بایشینه ساختن قدرت، امنیت خود را به بهترین شیوه تضمین و تأمین می‌کند. از سوی دیگر واقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند که داشتن قدرت بیش از حد (درحوزه‌ی نظامی)، امنیت یک دولت را کاهش می‌دهد، زیرا دولت‌های دیگر در برابر آن موازنه ایجاد می‌کنند (D.P.Johnson, 2016). همچنین واقع‌گرایان تهاجمی و تدافعی در مورد نظام‌های

1- Structural realism

2- neorealism

3- Kenneth Waltz

چندقطبی به‌ویژه نظام‌های چندقطبی نامتوازن، اختلاف نظر دارند. واقع‌گرایان تدافعی معتقدند که دولت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن امنیت و حفظ توزیع قدرت موجود هستند. کنت والتز استدلال می‌کند که در هرج و مرج، امنیت بالاترین هدف است. تنها در صورتی بقا تضمین شود، دولت‌ها می‌توانند با آسودگی خاطر به دنبال اهداف دیگری مانند آرامش، سود و قدرت باشند. از نظر میرشایمر، ترکیب قدرتی که بیشترین ترس و رقابت امنیتی را در بین دولت‌ها ایجاد می‌کند، یک نظام چند قطبی است که شامل یک هژمون بالقوه یا آنچه که او آن را یک نظام چند قطبی نامتوازن می‌نامد (چند قدرت بزرگ و یک هژمون منطقه‌ای بالقوه) می‌باشد. در نظام‌های چند قطبی متوازن، رقابت امنیتی نیز زیاد است، اما نسبت به نظام‌های چند قطبی نامتوازن کمتر است (E. Lobell, 2017). با توجه موارد فوق واز بررسی سند‌های امنیت ملی رؤسای جمهور پیشین ایالات متحده‌ی آمریکا از دوره ریگان تاکنون می‌توان دریافت که سیاست آن‌ها مبتنی بر یک جانبه‌گرایی و دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی است، به طوری که سند راهبرد امنیت ملی (سال ۲۰۱۷) آمریکا، مبتنی بر رویکرد یک جانبه‌گرایانه و بر نقش اصلی قدرت در سیاست بین‌الملل تأکید داشته و از اصول واقع‌گرایی پیروی می‌کند (The White House, 2017). بنابراین آمریکا بر اساس مفروضه‌هایی که رئالیسم تهاجمی بیان می‌کند، به دنبال پیشینه‌سازی قدرت در مناطق مختلف جهان می‌باشد. از آنجایی که آمریکا، نظام بین‌الملل را آنارشیک و فاقد اقتدار مرکزی می‌پندارد و هم‌چنین به عنوان یک بازیگر عقلانی، که دارای قابلیت‌های نظامی تهاجمی می‌باشد و به کشورهای دیگر از زاویه بدبینی (همچون ایران، سوریه، عراق و...) و یا رقیب (همچون چین و روسیه) می‌نگرد، در راستای بقای خود به عنوان هژمونی جهانی، راهبردهای ویژه‌ای را در قالب اهداف افزایش قدرت خود و کنترل و واپایش مهاجمان و بازیگران رقیب، به کار می‌برد (مرادخانی، ۱۳۹۶). با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد، این نظریه چارچوب نظری مناسبی برای تبیین و بررسی موضوع پژوهش می‌باشد.

۴. بحث و بررسی

با از صحنه خارج شدن اتحاد شوروی از رقابت در نظام دو قطبی، ساختار نظام بین‌الملل متحول و پیامدهای اساسی بر نقش و رفتار بازیگران و واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل و در مناطق

مختلف جهان و بویژه قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه برجای گذاشته است. استفان والت، از نظریه پردازان روابط بین‌الملل پس از شرکت در کنفرانس مطالعات امنیتی در دانشگاه دفاع ملی کره جنوبی در فارین پالیستی (درباره شرق آسیا) نوشته است: «در این سفر تحول در محیط راهبردی آسیا ذهن مرا درگیر کرده است؛ جنگ تجاری بین آمریکا و چین روز به روز سیری فزاینده دارد، گسترش زرادخانه هسته‌ای و ارتقای توانایی‌های موشکی کره شمالی، روابط روبه افول کره جنوبی و ژاپن و همچنین افزایش همکاری ایالات متحده با انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) از جمله موارد تاثیرگذار بر این محیط راهبردی است» (2019, M. Walt). همچنین آنتونی وینچی عضو ارشد مرکز امنیت نوین آمریکا فضای رقابتی حاکم بر روابط بین ایالات متحده آمریکا و چین را مورد بررسی قرار داده و نوشته است: «ایالات متحده آمریکا در رقابت گسترده با چین برای رهبری جهان باید درک کند چالش‌های اقتصادی نسبت به چالش‌های نظامی از اهمیت بیشتری برخوردارند و تهدیدهای اقتصادی چین از رقابت اقتصادی سنتی تا نمایش قدرت ژئوپلیتیک را شامل می‌شود. در رقابت آمریکا با چین، برخی آن را جنگ سرد نوین می‌نامند» (Vinci, 2020). ماریو استبان و همکارانش در گزارشی که سایت اندیشکده موسسه فرانسوی روابط بین‌الملل (ایفری) آن را منتشر کرد، جلسات و تحقیقات اخیر را به تجزیه و تحلیل درباره چگونگی واکنش اتحادیه اروپا به رقابت فزاینده ژئوپلیتیکی میان واشنگتن و پکن اختصاص داده و در آن علاوه بر چشم انداز اتحادیه اروپا، اقدامات ۱۸ کشور اروپایی برای ایجاد توازن در روابط خود با آمریکا و چین را مورد واکاوی قرار داده‌اند. تجزیه و تحلیل‌های این گزارش نشان می‌دهد که چگونه یک جانبه‌گرایی آمریکا و مقاومت چین، اتحادیه اروپا را وادار به بازنگری در چشم انداز راهبردی خود کرده است. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن در روابط با واشنگتن و پکن و همچنین در رقابت بین این دو شریک، این اتحادیه دچار مشکل می‌شود، اما برای بهبود رفاه اروپا به داشتن ارتباط با هردو نیاز دارند و هدف مشترک آن‌ها این است که با انجام اقدام متوازن، از شکل‌گیری یک نظام دوقطبی اجتناب شود که در آن، اعضای اتحادیه اروپا در همه سیاست‌های مربوطه مجبور به انتخاب یک طرف خواهند بود (Esteban & etal, 2020). از سوی دیگر روسیه، به یمن پس‌مانده‌ی اقتدار هسته‌ای خود، مجاورتش با اروپا و

گزینه محتمل هم‌پیمانی با چین، از منابع و امکانات مشکل آفرینی برای آمریکا را دارد حتی اگر فاقد بنیه‌ی لازم برای ایجاد موازنه‌ای در برابر اقتدار این کشور باشد؛ که در زمان جنگ سرد از آن برخوردار بود (نای، ۱۳۹۵: ۲۲۹). دولت ترامپ نیز در سند امنیت ملی سال ۲۰۱۷ مهم‌ترین چالش‌های اساسی و اولویت‌های این کشور در نقاط مختلف جهان را برشمرده و در چهارچوب نگاه رقابتی، کشورهایمانند روسیه، چین، ایران و کره شمالی رقبا و کشورهای متخاصم آمریکا معرفی شده‌اند و در ذیل راهبرد منطقه‌ای در مورد مناطق مختلف جهان شامل منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و جنوبی، نیمکره غربی، هند-آرام، اروپا، آفریقا برنامه ارائه شده است. در واقع تلاش این کشور به منظور تأمین منافع و حفظ هژمونی خود در دوره‌ی پساجنگ سرد سبب شکل‌گیری و ترکیب بندی نوین ساختار و قدرت شده است که کاربست زور و تهدید در حوزه‌های گوناگون توسط بازیگران نظام بین‌الملل بویژه ایالات متحده آمریکا نقشی اساسی و پررنگ داشته است. باتوجه به موارد فوق، در ادامه چالش ساختاری تأثیرگذار بر مسائل امنیتی جهان معاصر در دوره‌ی پساجنگ سرد شناسایی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۴- یک جانبه‌گرایی و رشد اقدامات میلیتاریستی

از نظر میرشایمر قدرت‌های بزرگ نه تنها به دنبال کسب قدرت در مقابل رقبای خود هستند، بلکه قصد دارند تا از کسب قدرت به وسیله آن‌ها به‌زیان خود نیز جلوگیری کنند. از آنجا که قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند سهم خود از قدرت جهانی را به حداکثر برسانند به میزان زیادی در زمینه‌ی امور دفاعی و معمولاً جهت ساختن نیروهای رزمی سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ و به دنبال راه‌های جدید برای برتری یافتن بر رقبای خود از جمله ایجاد و توسعه سلاح‌های نوین، ابداع دکترین‌های نظامی و یا راهبردهای زیرکانه هستند؛ و هدف آن‌ها بیشینه ساختن سهم خود از قدرت موجود در جهان است (میرشایمر، ۱۳۹۳: ۱۸۸ و ۱۷۴). بوش در سخنرانی خود در دانشکده ارتش ایالات متحده واقع در وست‌پوینت به تشریح دکترین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۲ پرداخت. وی در این زمینه بیان می‌گوید: ما از حق یک‌جانبه برای سرنگونی هردولتی در جهان که آن را تهدیدی برای امنیت خود بدانیم، برخورداریم (جانسون، ۱۳۸۴: ۴۱۷-۴۱۶). ازسوی دیگر این موضوع در سند امنیت ملی ۲۰۱۷ دولت ترامپ نیز به آن تصریح گردیده و ارتقاء و توانایی نظامی ایالات متحده آمریکا به عنوان یک مؤلفه حیاتی مورد تأکید قرار گرفته

است. علاوه بر آن برنوسازی، کسب قابلیت‌های ضروری، افزایش و بهبود آمادگی رزمی، گسترش سازمان رزم و نیروها، حفظ برتری نظامی به گونه‌ای که هرگز در یک مبارزه برابر قرار نگیرد؛ و هم چنین با ایجاد قابلیت‌های نوین، آمادگی نیروها رابرای جنگی بزرگ و در طیفی وسیع از سناریوها و شرایط پیش‌رو را باید فراهم شود؛ و در آن وزارت دفاع مکلف شده است که مفاهیم عملیاتی جدید و توانایی‌های خود را برای سلطه و غلبه در هوا، دریا، زمین، فضا و حوزه فضای سایبری حفظ نماید (The whitehouse, 2017). بنابراین مهمترین مؤلفه‌های که در این زمینه وجود دارند عبارتند از:

۱-۱-۴- برتری نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا و حضور آن‌ها در مناطق مختلف جهان ایالات متحده آمریکا تنها کشوری است که جهان را از طریق ۵ فرماندهی نظامی جهانی اداره می‌کند. بیش از یک میلیون نیروی مسلح در ۴ قاره جهان دارد (میلسن و فون هام، ۱۳۸۹: ۱۱۳). از سوی دیگر اکثر آمریکایی‌ها (۵۵ درصد) از سیاست‌هایی حمایت می‌کنند که جایگاه ایالات متحده را به عنوان تنها قدرت برتر نظامی حفظ نماید و تنها در حدود یک سوم دیگر از آن‌ها (۳۶ درصد) تأکید داشته‌اند که اگر کشور دیگری از نظر توان نظامی با ایالات متحده برابر باشد قابل تحمل است (Pew Research Center, 2016). در استراتژی دفاع ملی دولت ترامپ نیز ضمن تأکید بر حضور ارتش ایالات متحده آمریکا در سراسر جهان، تحولات محیط امنیتی جهان و تهدیدها و چالش‌های فراروی امنیت ملی آمریکا و سازوکارهای مقابله با آن مورد توجه قرار گرفته است و در آن چین و روسیه به عنوان قدرت‌های تجدیدنظر طلب و هم‌چنین (در مرحله بعد) کشورهای یاغی را به عنوان چالشگران اصلی معرفی نموده؛ که در حال رقابت با آمریکا در همه ابعاد قدرت هستند و در صدد به چالش کشیده شدن هژمونی جهانی آمریکا می‌باشند و برای مقابله با این چالش‌ها بر هماهنگی بین سازمانی با هدف بکارگیری همه ابعاد قدرت ملی آمریکا، تغییر واقعیت‌های میدانی و پرورش ذهنیت رقابتی و ایجاد نیروی نظامی مرگبارتر تأکید شده است (U.S. Department of Defense, 2018). در راستای این اهداف، ایالات متحده در حدود ۸۰۰ پایگاه نظامی رسمی در ۸۰ کشور جهان دارد و این در حالی است که تنها ۱۱ کشور (روسیه، بریتانیا، فرانسه، چین و...) و در مجموع در حدود ۷۰ پایگاه در کشورهای دیگر دارند که از این تعداد روسیه در حدود ۲۶ الی ۴۰ پایگاه، در ۹ کشور از جمله جمهوری‌های سابق اتحاد

شوروی، سوریه و ویتنام دارد (Slater, 2018). هم‌چنین از تعداد نیروهای نظامی فعال ایالات متحده آمریکا که در سال ۲۰۱۶ در سراسر جهان مستقر بوده‌اند؛ ۷۰ درصد آن‌ها در مناطق آسیا و اروپا حضور دارند. که از این ۷۰ درصد، بیشتر این نیروها (۳۸ درصد) در کشورهای آسیایی و حدود یک سوم آن‌ها (۳۲ درصد) در اروپا و بقیه آن‌ها در غرب آسیا و خاورمیانه (حدود ۱۳ درصد)، ۳ درصد در جنوب صحرای آفریقا و ۱۴ درصد دیگر در سایر نقاط جهان حضور داشته‌اند (Blalik, 2017)

۱-۴-۲- دارا بودن بالاترین هزینه نظامی در سطح جهان

مجموع هزینه‌های نظامی در سراسر جهان، ۱۷۳۹ میلیارد دلار برآورد شده است؛ که نشان دهنده -۲/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان است. براساس گزارش آماری پایگاه داده‌های نظامی موسسه تحقیقات صلح استکهلم، هزینه‌های نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال ۲۰۱۶ به میزان ۲ درصد افزایش و به مبلغ ۶۹۵ میلیارد دلار (۵۷۳ میلیارد یورو) رسیده بود که این میزان، ۴۰ درصد از هزینه‌های نظامی جهان را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که هزینه‌های نظامی اروپا ۳۴۲ میلیارد دلار است که ۲۰ درصد از کل هزینه‌های جهان را شامل می‌شود و در سال ۲۰۱۷ هزینه‌های نظامی چین نیز به ۲۲۸ میلیارد دلار رسید که ۱۳ درصد رشد داشته است (Beswick, 2018). هم‌چنین از بودجه اختصاص یافته به امور بین‌المللی (در ایالات متحده) ۹۳ درصد آن به ارتش، و تنها ۷ درصد آن در اختیار وزارت خارجه قرار گرفته است. (جانسون، ۱۳۸۴: ۴۱۹) روند افزایش بودجه سالانه نیروهای نظامی آمریکا همچنان ادامه دارد به طوری که بودجه نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۸ به رقم ۷۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است (Veteran.com, 2018). (همچنین دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا متن نهایی لایحه موسوم به قانون اختیارات دفاع ملی (NDAA) که سیاست‌ها و بودجه دفاعی این کشور، برای سال مالی ۲۰۱۹ در آن مشخص شده است، امضا و آن را تبدیل به قانون کرد. بودجه در نظر گرفته شده برای این قانون ۷۱۶ میلیارد دلار است (National Archives, 2017). بر اساس آماری که اخیراً از سوی موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم منتشر شده است، هزینه‌های نظامی ایالات متحده تقریباً ۴۰ درصد از هزینه‌های نظامی کشورهای سراسر جهان در سال ۲۰۲۲ را تشکیل

می دهد. هزینه های نظامی ایالات متحده از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ به میزان ۷۱ میلیارد دلار افزایش یافت (Peter G. Peterson Foundation, 2023). در نسخه عمومی سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۲۲ در ۵ بخش و ۴۸ صفحه انتشار یافته از چین به عنوان مهم ترین چالش ژئوپولیتیکی برای آمریکا و روسیه را فوری ترین تهدید علیه نظم منطقه ای در اروپا محسوب و در ادامه سند ایران را به دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه، اشاعه موشکی و پهباد متهم کرده و همچنین بر ایجاد بازدارندگی در برابر آن تأکید شده است (The White House, 2022)

۳-۱-۴- بزرگترین صادر کننده سلاح در جهان

صنایع تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا از بزرگترین صنایع تولیدی و حیاتی این کشور هم در عرصه ملی و هم در عرصه جهانی می باشند. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۲۶۲) مجتمع های نظامی - صنعتی با نفوذ در ساختار سیاسی آمریکا، اهداف و منافع اقتصادی خود را به عنوان اهداف و منافع این کشور و هم پیمانانش جلوه داده و با بهره گیری از مکانیزم های مختلف، نقش برجسته ای را در شکل دهی و پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده در دوران جنگ سرد و پس از آن ایفا کرده اند. (مدرس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۵) به طوری که گزارش موسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد ۶۰ شرکت از ۱۰۰ شرکت برتر تولید کننده تسلیحات و خدمات نظامی جهان در آمریکا مستقر می باشند و ۶۰ درصد از مجموع فروش تسلیحات را به خود اختصاص داده اند (Stockholm International Peace Research Institute, 2012). در این زمینه چارلز هوپر رئیس آژانس همکاری امنیتی دفاعی آمریکا نیز در گفت و گو با دیفنس نیوز اعلام کرد: آمریکا همچنان بزرگترین صادر کننده سلاح در جهان است. به طوری که در شش ماهه اول سال ۲۰۱۸ به اندازه کل سال ۲۰۱۷ سلاح فروخته است (Brennan, 2018). لازم به ذکر است ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۶ وعده داده بود که فروش سلاح به کشورهای خارجی را تسهیل و درصدد کاهش محدودیت های فروش سلاح در ایالات متحده است. همچنین وی به منظور افزایش اشتغال در صنایع نظامی این کشور، فروش میلیاردها دلار سلاح در دستور کار خود قرار داده است (Dasilva, 2018).

۴-۱-۴- تشکیل نیروی فضایی و نظامی کردن فضا

در حالی که براساس معاهده سال ۱۹۶۷ جو زمین، استقرار هرگونه سلاح کشتار جمعی در فضا ممنوع و در آن تأکید شده است که وقوع جنگ در فضا پیامدهای مختلفی از جمله: مشکلات گسترده در حوزه‌های ارتباطات، ناوبری، آب و هوا و شناسایی بدنبال دارد (Koren, 2018). معاون رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد پنتاگون در صدد ایجاد یک نیروی فضایی می‌باشد؛ وی گفت: زمان آن فرا رسیده که ایالات متحده نیروی فضایی را تشکیل دهد. البته در ماه ژوئن، دونالد ترامپ خواستار ایجاد ششمین نیرو در ساختار نیروهای مسلح شده بود. پنس (وزیر جنگ سابق ایالات متحده) علی‌رغم این که در سال گذشته مخالف تشکیل این نیرو بود؛ ضمن تغییر نظر خود گفت: «این نیرو تا سال ۲۰۲۰ تأسیس خواهد شد. ما باید فضا را به عنوان یک منطقه در حال جنگ و در حال توسعه مورد توجه قرار دهیم و این یک فرآیندی است که ما در آن قرار داریم. نگرانی رئیس‌جمهور درباره حفاظت از دارایی‌هایی مان در فضا را درک می‌کنیم و در این زمینه‌ی هماهنگی کاملی بین ما وجود دارد». طرح منتشر شده پنتاگون، چین و روسیه را به عنوان رقبای راهبردی ایالات متحده قلمداد و در آن آمده است که آن‌ها قابلیت‌های جنگ در فضا را برای خنثی نمودن قابلیت‌های فضایی ایالات متحده در زمان درگیری را تقویت و دنبال می‌کنند. پنس در ادامه عنوان کرده است که کاخ سفید با کنگره رایزنی نموده است تا این طرح را توسعه دهد. وی افزوده است این گزارش، یک مرحله از فرآیند چند ساله‌ای است که تصور می‌کنیم به آمریکای امن‌تر و قوی‌تر منجر می‌شود (Johnson, 2018).

۲-۴- تضعیف نهادها و رژیم‌های بین‌المللی

یکی از راه‌های ارزیابی قدرت یک کشور مقایسه قدرت آن با دیگر قدرت‌ها و بررسی جایگاه آن می‌باشد. کنت والتز، بنیان‌گذار نظریه نئورئالیسم در این زمینه می‌گوید: «این قدرت‌های بزرگ هستند که نمایشنامه‌های بین‌المللی را می‌نویسند، صحنه‌آرایی می‌کنند و به اجرا در می‌آورند و هرگاه در راستای منافع ملی آن‌ها نباشد و نامناسب تشخیص دهند، آن را تغییر و یا حذف می‌کنند» (جعفری، ۱۳۹۰: ۷۵۳). تفوق آمریکا به آن اجازه می‌دهد برتری خود را در شرایط مختلف بر سایر کشورها، تحمیل کرده و یا نظرات آنان را نادیده گیرد و صرفاً بدون توجه به

خواست ملل دیگر، رأی خود را دنبال کند (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۱۲). در ادامه به برخی از موارد تضعیف چندجانبه گرایی و افزایش واگرایی در دوره پساجنگ سرد اشاره می‌شود:

۱-۲-۴- استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی

قدرت‌های بزرگ گرچه در تدوین و ظهور رژیم‌های بین‌المللی مؤثرند، اما پس از تشکیل آن تلاش می‌کنند هژمونی خود را حفظ نمایند. قدرت‌های بزرگ براساس منابع ملی خود حداکثر استفاده را از رژیم‌های بین‌المللی به عمل می‌آورند اما اگر بخشی از آن مغایر با منافع ملی آن‌ها باشد آن را از بین می‌برند در چنین شرایطی رفاه عمومی جهان به خطر می‌افتد و در نتیجه تنش‌ها و منازعات بین‌المللی افزایش می‌یابد (جعفری، ۱۳۹۰: ۷۳۸). در واقع چندجانبه‌گرایی و یکجانبه‌گرایی برای ایالات متحده فقط روش‌هایی هستند تا به شکلی که برای آن‌ها منفعت دارد، استفاده می‌کنند و سازمان ملل تنها ابزاری در خدمت سیاست‌های آمریکاست. آن‌ها در صورت نیاز از طریق رویکرد چندجانبه از آن استفاده خواهند کرد و اگر نیازی نداشته باشند خارج از چارچوب سازمان ملل عمل خواهند کرد (De Chatel, 2003). بنابراین می‌توان گفت به لحاظ موقعیت برتر ایالات متحده در سیستم جهانی، این کشور به طور اجتناب‌ناپذیر، ماهیت و گسترش چندجانبه‌گرایی را تحت تأثیر خود قرار داده است. به دلیل قدرت و نقش رهبری که طی سال‌های جنگ جهانی دوم و پس از آن، به گونه‌ای مشتاقانه بر خود فرض داشت، سیستم سازمان ملل از بسیاری جهات ساخته و پرداخته ذهنیت آمریکا و همواره در حکم یک ابزار حیاتی برای توسعه و پیشبرد ایده‌ها و اهداف این کشور بوده است. از این رو نهادهای وابسته به سازمان ملل را می‌توان لوازم و متعلقات سلطه ایالات متحده به حساب آورد (دبلیوکاکس و جاکوبسن، ۱۳۸۰: ۲۶۵-۲۶۶). ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در کتاب فرصت را دریابیم نوشته است: «سازمان ملل متحد باید به یکی از اداره‌های تابعه وزارت امور خارجه آمریکا تبدیل شود». از زمان تشکیل سازمان ملل تا اواسط دهه ۱۹۷۰ ایالات متحده سازمان ملل را در سیاست خارجی خود به حاشیه راند، زیرا معتقد بود رقابت میان شوروی و آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل را از کار انداخته است (محمدیان، ۱۳۸۴: ۷۳). در حال حاضر نیز این روند بیش از گذشته سیر شتابانی به خود گرفته به طوری که در سند امنیت ملی دولت ترامپ آمده است: «ایالات متحده برنامه‌های خود را در آن دسته از سازمان‌ها اولویت‌گذاری می‌کند که منافع آمریکا را

تأمین نمایند، تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها آمریکا، متحدان و همکاران ما را تقویت و حمایت می‌کنند. در صورتی که مؤسسات و قوانین موجود نیازمند به روزرسانی باشند؛ ایالات متحده آن‌ها را به روز خواهد کرد و به دنبال دستیابی به نتایجی در زمینه‌های سیاسی و امنیتی است که با منافع و ارزش‌های این کشور (ایالات متحده آمریکا) منطبق باشد. ایالات متحده همچنان نقش مهمی در هدایت موسساتی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی ایفا می‌کند (The Whitehouse, 2017).

۲-۲-۴- واگرایی با ناتو:

دو دهه پیش، در هنگام تهاجم دولت جورج دبلیو بوش به عراق، دونالد اچ. رامسفلد وزیر اسبق جنگ این کشور درباره مخالفت برخی از کشورهای اروپای غربی اروپایی از جمله آلمان و فرانسه با حمله پیشگیرانه آمریکا در خاورمیانه و عراق در پاسخ یک خبرنگار هلندی در پراگ با طرح اروپای جدید در برابر اروپای قدیم می‌گوید: من آلمان و فرانسه را نماینده همه اروپا نمی‌دانم و بر این باورم که آن‌ها نماینده اروپای قدیم هستند. اگر امروز به کل اروپای نگاه کنید، مرکز ثقل آن به سمت شرق تغییر کرده و تعداد زیادی از کشورهای اروپایی به عنوان اعضای جدید وارد ناتو شده‌اند (Tharoor, 2023). در واقع گسترش ناتو به سوی شرق با هدف تثبیت برتری این آمریکا بر ناتو و مناسبات بین‌المللی شکل گرفته و تقویت دیدگاه اروپای جدید در مقابل اروپای قدیم از سوی دونالد رامسفلد وزیر اسبق جنگ آمریکا، در این راستا ارزیابی می‌شود. همچنین آمریکایی‌ها خواهان گسترش فعالیت‌های ناتو در سطح جهانی است؛ در حالی که اروپایی‌ها در زمینه بحران‌های خارج از منطقه‌ی اورآتلانتیک بیشتر خواهان دخالت به شکل موردی و نیز با هماهنگی و نظارت کامل سازمان ملل هستند و از سوی دیگر تمایل اعضای سنتی اتحادیه اروپا (آلمان، فرانسه و ایتالیا) برای ایجاد ارتش مشترک اروپایی و توسعه نهادی و حقوقی آن از چالش‌های دیگر در درون ناتو می‌باشد (بزرگمهری و پورباغابری، ۱۳۹۳: ۶۶۱). رابرت کاگان در کتاب بهشت و قدرت نیز به نگرش‌های آمریکا و اروپا در رابطه با تحمیل زور پرداخته و بر اساس رویکرد نئورئالیستی نتیجه‌گیری می‌کند که منشأ اختلاف بین آن‌ها از ناهمگونی قدرت بین دو قاره است و عنوان می‌کند که قدرتمند بودن به معنای برخورداری از

1 George W. Bush

2 Donald H. Rumsfeld

یک جهان‌بینی ذاتاً متفاوت در مقایسه با طرف ضعیف می‌باشد و اگرایی فرا آتلانتیک صرفاً قابلیت‌ها را دربر نمی‌گیرد، بلکه نگرش‌های مربوط به قدرت نظامی را نیز دربر می‌گیرد، جایی که یک شکاف وسیع ایجاد شده است، به ویژه بین ایالات متحده از یک طرف و فرانسه و آلمان از طرف دیگر. در بخشی از یک سیاست خارجی به نحو فزاینده یک‌جانبه‌گرا، واکنش‌های ایالات متحده به حوادث ۱۱ سپتامبر، دولتی رانشان می‌دهد که به نحو فزاینده‌ای نگران بود توسط ائتلاف‌ها و سازمان‌های چندجانبه‌گرا محدود شود که این روند در ائتلاف اراده‌ها در عراق تشدید می‌شود. ایالات متحده علی‌رغم درک نیازه هم‌پیمانانش بعد از ناکامی در افغانستان، دونالد رامسفلد عنوان کرد «مأموریت ائتلاف را تعیین می‌کند»؛ که این امر تا حد زیادی تمایل آمریکا را نشان می‌دهد که قدرتش توسط عوامل دیگر نامحدود در نظر گرفته شود (Harper, 2013). هم‌چنین از ژانویه (۲۰۱۶) که دونالد ترامپ، زمام دولت ایالات متحده آمریکا را برعهده گرفت، این تضعیف چندجانبه‌گرایی و افزایش واگرایی روند سیر شتابانی به خود گرفته و در واقع می‌توان گفت دوره‌ی پرچالشی برای نظام چندجانبه‌گرایی و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل شکل گرفت که برخی از آن‌ها عبارتند از: پایان مشارکت آمریکا در توافقنامه تجارت آزاد ترانس پاسیفیک موسوم به «تی‌پی‌پی» (در سال ۲۰۱۶)،^۱ بازنگری در مفاد قرار داد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) با کانادا و مکزیک، خروج از توافق پاریس در رابطه با تغییرات آب و هوایی موسوم به توافقنامه پاریس (روز اول ژوئن ۲۰۱۷)، تعلیق عضویت ایالات متحده در سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) در ماه اکتبر (۲۰۱۷)، خروج از پیمان جهانی سازمان ملل (اعلامیه نیویورک) برای بهبود مهاجران و پناهجویان در دسامبر سال ۲۰۱۷، که ترامپ آن را مغایر با سیاست‌های مهاجرتی آمریکا دانست. واشنگتن تأمین مالی سازمان‌های بین‌المللی را نیز مورد بازنگری قرار داد و در آوریل تصمیم گرفت تا کمک‌های خود را به صندوق جمعیت سازمان ملل (UNPFA) را قطع نماید (Bradley, 2018).

همچنین علی‌رغم این که ایران به اجرای صادقانه معاهده هسته‌ای متعهد بود و گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای که هر سه ماهه یک بار در این زمینه منتشر می‌شود نیز این موضوع را تأیید می‌کند، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، یکی از وعده‌های مبارزات

¹ The Transatlantic Trade and Investment Partnership (TTIP)

انتخاباتی خود را عملی ساخت و از معاهده هسته‌ای ایران یا طرح جامع اقدام مشترک خارج شد (Nephew & Goldenberg, 2018) اعمال تعرفه گمرکی و تضعیف سازمان تجارت جهانی از موارد دیگری است که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا روز پنجشنبه (۸ مارس ۲۰۱۷/ ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۶) سند مربوط به افزایش تعرفه گمرکی برای واردات فولاد و آلومینیوم را امضا کرد. طبق مقررات جدید، واردات فولاد و آلومینیوم از سراسر جهان به آمریکا مشمول عوارض گمرکی معادل ۲۵ درصد برای فولاد و ۱۰ درصد برای آلومینیوم خواهد شد. این قانون تا ۱۵ روز دیگر به اجرا درخواهد آمد (Lawder, 2018). در حال حاضر، سازمان تجارت جهانی در موقعیت دشواری قرار گرفته است و هر اقدام یا تصمیمی که اتخاذ نماید، مشکلاتی را بدنبال دارد و اعمال این قانون می‌تواند تأثیر ماندگاری بر سازمان تجارت جهانی داشته باشد؛ پروفیسور جنیفر هیلمن^۱ در این زمینه گفته است: «با این فشار زیادی که بر سازمان وارد می‌شود، برخی بر این عقیده‌اند بواسطه اعمال تعرفه‌های گمرکی یک جانبه‌ای که مشاهده می‌کنیم ایالات متحده تقریباً به صورت مؤثری در حال خروج از سازمان تجارت جهانی است» (Swanson, 2018). روبرتو آزودو دبیرکل سازمان تجارت جهانی نیز در این زمینه هشدار داد و گفت: «تصمیم ترامپ در اعمال تعرفه گمرکی واردات به آمریکا برای فولاد و آلومینیوم می‌تواند به بروز رکود و احتمال شکل‌گیری یک جنگ اقتصادی، در جهان منجر شود؛ اتخاذ «سیاست چشم در برابر چشم» از سوی طرف‌های درگیر می‌تواند همه ما را کور کرده و جهان را در یک رکود عمیق اقتصادی فرو ببرد. این اقدام باعث شد تا در سطح بین‌الملل به خصوص اتحادیه اروپا، کانادا و حتی استرالیا واکنش‌های سریعی شکل گیرد (Sputnik News, 2018)

۳-۴- جهانی سازی لیبرال دموکراسی و افزایش مداخله در امور کشورها و تحدید منافع

و حاکمیت کشورها

جهانی‌سازی به عنوان فرآیند و از واژه‌های چند وجهی و مجادله آمیز است که برخی شکل-گیری آن را هدفمند و در راستای اهداف کشورهای ثروتمند از جمله آمریکا دانسته‌اند. در واقع جهانی سازی به جنبه فکری یک پدیده و به مثابه یک مکتب تلقی می‌شود و معمولاً به معنی

1 Jennifer Hillman

2 - Globalism

ساختن است و به تحقق موضوع در قالب یک پروژه مدون و برنامه‌ریزی شده اشاره دارد. (اندرزگو و نواده توپچی، ۱۴۰۰: ۷۸-۷۶). که در زیر به برخی از مصادیق آن اشاره می‌شود:

۱-۳-۴- مداخله با پوشش‌های بشر دوستانه

در مورد مداخله کشورها با پوشش بشر دوستانه، واقع‌گرایان معتقدند که کشورها به دلایل بشر دوستانه مداخله نمی‌کنند. به نظر آن‌ها، رهبران کشورها مردان و زنانی که به نام کشور می‌اندیشند و عمل می‌کنند به لحاظ اخلاقی این حق را ندارند که از طرف انسان‌های دردمند دست به خونریزی بزنند. این استدلال واقع‌گرایانه علیه مداخله بشر دوستانه، بر این قاعده استوار است که مداخله نباید به عنوان یک استثنا در قبال اصل عدم استفاده از زور مشروعیت یابد؛ زیرا این امر منجر به سوءاستفاده خواهد شد. مشکل سوءاستفاده، برخی را ترغیب می‌نماید چنین استدلال کنند که مداخله بشر دوستانه سلاحی خواهد بود که قوی از آن علیه ضعیف استفاده خواهد کرد. به طور کلی، واقع‌گراها استدلال می‌کنند که کشورها همیشه اصول مداخله بشر دوستانه را به طور گزینشی اعمال می‌کنند؛ چرا که مداخله آنها برای مردمان در بند، بلکه بر پایه منافع ملی خود صورت می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸۱۰). در منشور سازمان ملل از یک طرف اصل «حاکمیت» بسیار محترم است و رعایت می‌شود و از سوی دیگر می‌گوید هر جا صلح و ثبات منطقه‌ای ناپایدار شود، سازمان ملل و شورای امنیت می‌توانند وارد عمل شوند. در حقیقت آمریکای‌ها از این تناقض در منشور سازمان ملل استفاده کردند و این را که در کدام موارد ثبات و صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای به خطر می‌افتد، تعریف کردند و آن را در ۴ زمینه «حقوق بشر، تروریسم، جنگ داخلی و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی» بر شمرند. در نتیجه قابل پیش‌بینی بود که با توجه به این چهار محور در چهار زمینه؛ دخالت انجام خواهد گرفت (عسگرخانی، ۱۳۸۴). به طوری که یک سال پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به واشنگتن و نیویورک، به وضوح در استراتژی امنیت ملی بوش رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا آمده بود که منافع ایالات متحده بر هر چیز دیگر ارجح‌تر و نهادهای بین‌المللی نمی‌توانند آن را تحت تأثیر قرار دهند و مانع از اقدامات نظامی شوند. چنانچه در مداخلات بشر دوستانه، بین منافع استراتژیک ایالات متحده و معیارهای بشر دوستانه بین‌المللی پذیرفته شده همپوشانی داشته باشد این ممکن است اثر مفهوم اساسی «مسئولیت حفاظت» داشته باشد (F.Sweis, 2011). ایالات متحده به بهانه‌ی حفظ قواعد بین‌المللی، قوانین بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل را به شدت نقض و سایر کشورها را به

نقض این قوانین متهم و تحریم‌های یک جانبه‌ای را علیه آن‌ها اعمال می‌کند. از سوی دیگر با دراولویت قراردادن منافع سیاسی خودخواهانه‌ی خود، قوانین ملی این کشور را بالاتر از قوانین بین‌المللی می‌داند و پیمان‌ها را زیر پا می‌گذارد و از سازمان‌های بین‌المللی خارج می‌شود. به بهانه دموکراسی و حقوق بشر، به صورت دائم در امور داخلی سایر کشورها مداخله می‌کند و به صورت آشکارا جنگ‌هایی را برای تجاوز به حاکمیت سایر کشورها به راه می‌اندازد و نظم بین‌المللی را تضعیف می‌کند (Xinhuanet, 2021). داوولین استاد علوم سیاسی در دانشگاه کارنگی ملون در آمریکا، اطلاعات تاریخی موثقی جمع‌آوری کرده است که حکایت از آن دارد که آمریکا از دوران پس از پایان جنگ دوم جهانی تا سال ۲۰۰۰ میلادی، ۸۱ بار در انتخابات سایر کشورهای دنیا که در دوسوم موارد، به صورت مخفیانه انجام می‌شود، مداخله کرده است. بر اساس نتایج مطالعات داوولین، در ۵۹ درصد از موارد، طرفی که از انواع مختلف کمک‌های آمریکا برخوردار شده بوده است، در کشوری که آمریکا در انتخابات آن مداخله کرده بوده، روی کارآمده است (Agrawal, 2016). ایالات متحده آمریکا، تنها در نیمه دوم قرن بیستم حدود ۱۰۰ کودتای نظامی و براندازی حکومت‌ها را طراحی و رهبری کرده است و ده‌ها بار بطور مستقیم دست به اشغال نظامی کشورها زده است و یا آن‌ها را تهدید به مداخله نظامی کرده است (علیخانی، ۱۳۹۵). به طوری که در سال ۲۰۱۳، نیروهای عملیات ویژه (SOFs) ایالات متحده آمریکا در ۱۳۴ کشور در جهان حضور داشته‌اند (Mcgrath 2014). هم چنین در گزارشی که در ماه اکتبر ۲۰۱۷ توسط خدمات تحقیقاتی کنگره تهیه شده است آمده: اگرما به پراکندگی ۳۹۲ دخالت نظامی ایالات متحده از سال ۱۸۰۰ تا سال ۲۰۱۷ بنگریم، داده‌ها افزایش چشمگیری نشان می‌دهد به طوری که از سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۴۹ و در این ۴۹ سال تعداد سی‌ونه (۳۹) مداخله؛ از ۱۸۵۰ تا ۱۸۹۹ چهل‌وهفت (۴۷)؛ از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۹ شصت‌ونه (۶۹)؛ از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۹ صدویازده (۱۱۱)؛ و از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ صدویست‌وشش (۱۲۶) مورد بوده که این ۱۷ سال به تنهایی در مقایسه با ۵۰ سال در دوره‌های دیگر بوده است. اگر مقایسه بیشتری در زمینه دخالت نظامی بین دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد انجام دهیم، نکته قابل توجهی که بدست می‌آید این است که ایالات متحده آمریکا ۶۶ مداخله نظامی از سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۱ داشته که این تعداد از سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۷ به میزان چهار برابر و به ۱۸۸ مورد افزایش یافته است (Duffy Toft, 2017). به عنوان

1. Dov Levin
2. Carnegie Mellon

نمونه پس از جنگ سرد و بویژه واقعه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده آمریکا به صورت گسترده در کشورهای مختلف مداخله نموده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: پس از جنگ سرد و بویژه واقعه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده آمریکا به صورت گسترده در کشورها مداخله نموده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: مداخله نظامی در پاناما (سال ۱۹۹۰-۱۹۸۹) و سرنگونی نوریگا رئیس جمهور آن کشور، عراق (۱۹۹۱-۱۹۹۰) مداخله و انجام عملیات نظامی گسترده (عملیات آزادسازی آن توسط نیروهای ائتلاف)، افغانستان (۲۰۰۱) انجام حملات هوایی و عملیات زمینی و سرنگونی دولت طالبان و روی کار آمدن رژیم جدید (مورد نظر ایالات متحده آمریکا)، عملیات اشغال نظامی عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام، سرنگونی ژان برتران آریستید رئیس جمهور هائیتی در سال ۲۰۰۴ (Global Policy Forum, 2005).

۳-۴-۲- صلح دموکراتیک و پارادوکس جنگ و صلح

بر اساس تئوری صلح دموکراتیک کشورهایی که از ساختار حکومتی لیبرال دموکراتیک برخوردارند، نسبت به کشورهایی که سایر اشکال حکومت دارند، به ندرت با یکدیگر وارد جنگ می‌شوند. اما در مورد این که چرا این صلح به اصطلاح دموکراتیک وجود دارد اتفاق نظر کمی در بین آن‌ها وجود دارد. منتقدان دیگر استدلال می‌کنند که در طول تاریخ، بیش از دموکراسی یا فقدان آن، تحول در قدرت، صلح یا جنگ را تعیین کرده است. تأثیری که «صلح لیبرال دموکراتیک» نامیده می‌شود در حقیقت ناشی از عوامل «واقع‌گرایانه» از جمله اتحادهای نظامی و اقتصادی بین دولت‌های دموکراتیک است (Longley, 2022). ایالات متحده آمریکا که یکی از مصادیق لیبرال دموکراسی است در موارد بسیاری، اقدام به رفتار خشونت آمیز، نه تنها علیه دولت‌های غیر دموکراتیک، بلکه علیه دولت‌های دموکراتیک خارج از جامعه‌ی امنیتی غرب نموده است. در همین رابطه، جالب است که برخی از محققین، دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم را عموماً دوره‌ی اقدامات خشونت آمیز، توسط دولت‌های دموکراتیکی همچون آمریکا، انگلستان، فرانسه، بلژیک و... توصیف می‌کنند. این در حالی است که دولت‌های غیر دموکراتیک، بیشتر مایل به حل و فصل اختلافات خود با دولت‌های دموکراتیک از طرق مسالمت آمیز هستند، اما دولت‌های دموکراتیک، بیشتر تمایل به توسل به زور در روابط خود با دولت‌های غیر دموکراتیک

1 Jean-Bertrand Aristide

دارند. متأسفانه، نظام بین‌المللی به گونه‌ای شکل گرفته که به سلطه ارزش‌های فرهنگی غربی انجامیده است که این دول، به زعم برتری ارزش‌های فرهنگی غربی، روابط خود با سایر دول را نه بر پایه احترام برابر متقابل، که بر پایه تحمیل نظرات خود بر سایر دول، تنظیم می‌کنند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، صلح بین‌المللی، تنها در صورت تن دادن سایر کشورها به الگوی دموکراسی لیبرال و سکولار و ترک سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی خود قابل دستیابی خواهد بود؛ وضعیتی که نه در عمل، قابل تحقق به نظر می‌رسد و نه از نظر اخلاقی قابل توجیه است (حیدری، ۱۳۸۷: ۴۲-۲۷).

۴-۴- ائتلاف سازی در برابر قدرت هژمون و افزایش رقابت بین قدرت‌های

راهبرد ائتلاف در روابط بین‌الملل پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود و از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به اقدام مشترک کشورها علیه کشور (یا کشورهایی) اطلاق می‌شود؛ که در جنگ‌های عراق (۱۹۹۰)، افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) به کار گرفته شده است و یکی از مهم‌ترین نتایج تغییر نظام بین‌الملل و تلاش آمریکا برای ساخت نظام نوین جهانی محسوب می‌شود. آمریکا در این راستا تلاش نموده است با استفاده از تحولات نظام بین‌الملل ابتدا از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد مجوز حمله به این کشورها را به دست آورد و سپس در قالب ائتلاف و حضور کشورهای متعدد در آن، تهاجم نظامی به کشورهای مخالف نظم آمریکایی را رهبری کند. در واقع استراتژی ائتلاف سازی محصول تغییر نظام بین‌الملل و ظهور نظام هژمونیک یا تک قطبی است؛ و ابزاری برای توجیه سیاست‌های اعمالی آمریکا محسوب می‌شود (جاودانی مقدم، ۱۳۸۷: ۳۳-۲۶). پس از فروپاشی نظام دو قطبی، تعدادی از اندیشمندان روابط بین‌الملل، آمریکا را قدرت بلامنازع و دولت پیشرو یعنی قدرتمندترین دولت جهان معرفی کرده‌اند. علاوه بر آن توانایی جهت دهی به هنجارها و رویه‌های بین‌المللی را نیز به تنهایی داراست. با این حال همچنان دیگر قدرت‌های بزرگ، تلاش خود را برای تغییر این وضعیت ادامه دادند. قدرت‌های بزرگ همیشه به عنوان یک رقیب بالقوه جایگاه برتر دولت پیشرو در این دوره آمریکا را تهدید می‌کنند (حسن‌خانی و مسرور، ۱۳۹۶: ۱۶۱). همچنین علی‌رغم کاهش چشمگیر جنگ بین کشورها در طی ۷۰ سال اخیر، افزایش رقابت بین آمریکا، روسیه و چین موجب شکل‌گیری تهدیدهایی برای نظم

بین‌المللی می‌شود و این تهدیدها نیز از ابعاد نظامی برخوردار هستند (The Economist, 2018). به طوری که استراتژی دفاعی ایالات متحده آمریکا، یک از محیط امنیتی پیچیده در جهان ترسیم کرده و در آن آمده است چین و روسیه به عنوان قدرت‌های تجدید نظرطلب و رژیم‌های سرکش در حال رقابت با آمریکا در همه ابعاد قدرت هستند. در سند استراتژی دفاع ملی ترامپ، ظهور مجدد رقابت استراتژیک بین قدرت‌های بزرگ را چالش کلیدی برای امنیت و رفاه این کشور عنوان شده است و در این رقابت، چین و روسیه قدرت‌های تجدیدنظر طلبی هستند که در صدد هستند که جهانی مطابق با الگوی اقتدارگرایی خود شکل دهند. براساس این سند چین با نوسازی نظامی و افزایش نفوذ و سلطه‌ی اقتصادی بر کشورهای همسایه، در راستای بازتعریف و نظم بخشی مجدد به منطقه هند اقیانوس آرام و در جهت منافع خود بهره برداری و تلاش می‌نماید و این کشور در کوتاه مدت بدنال ایجاد هژمونی منطقه‌ای و در آینده در پی دستیابی به سلطه جهانی و جایگزینی با آمریکا است. روسیه نیز در صدد سلطه بر کشورهای پیرامون و تصمیمات حکومتی، اقتصادی و دیپلماتیک آن‌ها و همچنین، بدنال به شکست کشاندن ناتو، گسترش و نوسازی زرادخانه هسته‌ای خود، تغییر ساختار امنیتی و اقتصادی اروپا و غرب آسیا در راستای شرایط مطلوب مورد نظر خود می‌باشد. همچنین چین و روسیه به اتخاذ رویکردی متضاد و دوگانه متهم شده‌اند که ضمن منتفع شدن از منافع این نظم، به صورت هم‌زمان اصول آن را تضعیف و در حال اضمحلال از درون این نظم بین‌المللی هستند (The White House, 2017). اما از سوی دیگر سایر قدرت‌های بزرگ از طرق مختلف و از جمله موارد زیر در مقابل هژمونی ایالات متحده آمریکا ایستادگی می‌کنند.

۱-۴-۴- تشکیل سازمان شانگهای

تشکیل سازمان همکاری شانگهای (SCO) یک رویداد مهم در حیات سیاسی بین‌المللی معاصر است که همکاری دفاعی و امنیتی به عنوان عامل اصلی توسعه و یکی از اولویت‌های همکاری این سازمان محسوب می‌شود. همکاری بین اعضای سازمان از حل مسائل مرزی شروع و روند آن با همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم تداوم یافت و به تدریج به الگو جدیدی از همکاری چندجانبه در سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی تبدیل گردید

(Xue and Mwadi Makengo, 2021). سازمان همکاری شانگهای از زمان تشکیل، به عنوان یک بازیگر بالقوه جهانی و همچنین یک بازیگر منطقه ای شناخته می‌شود. اغلب از سازمان همکاری شانگهای به عنوان موازنه ای در برابر ناتو و به طور کلی غرب یاد می‌شود (Aris, 2013: 9-10)

۲-۴-۴- تشکیل گروه بریکس^۱

یکی از تشکلهای نوظهور که در حال حاضر بیشتر جنبه اقتصادی دارد گروه بریکس است. این گروه شامل پنج کشور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌گردد. پنج عضو بریکس ۳۰ درصد از مساحت زمین، بیش از ۴۳ درصد از جمعیت دنیا و ۵ درصد تولید ناخالص جهان را در اختیار دارند. ذخائر ارزی کشورهای یاد شده ۴/۴ تریلیون دلار برآورد شده است (زمانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). آنها قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در حال ظهور، و (از میان این پنج کشور) چین، روسیه (و هند) دارای تسلیحات هسته‌ای هستند و دیدگاه‌های روسیه و چین به ویژه در مورد امنیت جهانی حائز اهمیت است. روسیه به عنوان یک صادرکننده مهم انرژی، قدرت و نفوذ زیادی به دست آورده است. ظهور بریکس به عنوان یک گروه مهم دلالت کم‌رنگ شدن قدرت ایالات متحده و اروپا می‌کند (آبرین و ویلیامز، ۱۳۹۵: ۶۲۶). چین در حال حاضر در اکثر نقاط دنیا بویژه در بعد اقتصادی دارای نفوذ است. افزایش قدرت چین این کشور را به یک هژمون در آسیا تبدیل خواهد کرد و این امر به گونه‌ای طبیعی با مخالفت ایالات متحده روبرو خواهد شد، زیرا این کشور نمی‌خواهد قدرتی همسنگ در سایر مناطق دنیا در مقابل خویش ببیند. بدیهی است که هژمون همسنگ می‌تواند از نفوذ ایالات متحده در آسیا جلوگیری کند (عسگرخانی و قهرمانی، ۱۳۹۲: ۵۱). ششمین نشست سران بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی) ۱۴ جولای در برزیل شروع می‌شود. انتظار می‌رود نشست سه روزه سران طرح‌های نهایی را برای یک سازمان مالی جدید ارائه کند که با عنوان بانک توسعه بریکس معروف می‌شود و یک مجموعه ارز که به آرایش اندوخته پشتیبان معروف می‌شود. این حرکت‌ها بخشی از یک فرآیند جاری هستند که توسط آنها کشورهای در حال توسعه غیر غربی تلاش می‌کنند تا مکانیسم‌هایی را برای وام‌های دارای شرایط کمتر درمقایسه با وام‌های منتشر شده توسط مؤسسات غربی چندجانبه به وجود آورند (Worldview Powered by Stratfor, 2014).

1- Brazil, Russia, India and China (BRIC)

۳-۴-۴- شکل گیری محور مقاومت

به دنبال مداخلات مختلف آمریکا و تغییرات ساختاری پس از فروپاشی رژیم‌های (مرتجع) عرب موسوم به بهار عربی، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با یک دگرگونی عظیم روبرو گردید و در این منطقه ایران به عنوان یک رقیب جدید نقش محوری ایفا کرد. به گونه‌ای که از نقش منطقه‌ای تأثیرگذاری برخوردار است و گام‌های متعددی برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای پشت سر گذاشته است. این کشور بدون شک دارای قدرت دیپلماتیک، سیاسی و نظامی است که به آن امکان می‌دهد با نهادهای قدرتمندتر در منطقه مقابله به مثل کند. در واقع این کشور از قابلیت‌های نظامی، جمعیتی، سیاسی و ایدئولوژیکی بسیار بالایی برخوردار است (Adel, 2021: 90-102). در واقع یکی از ساختارهایی که پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر در غرب آسیا در مقابل محور غربی - عبری - عربی به سرکردگی آمریکا بیش از پیش رشد و تکامل یافت؛ محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران است. رایین رایت خبرنگار نشریه‌ی نیویورکر که به صورت تخصصی مسائل غرب آسیا و شمال آفریقا را دنبال می‌کند؛ ایران را به عنوان قدرتی منطقه‌ای به تصویر کشیده است که در چارچوب یک راهبرد بلندمدت و همزمان تغییرات تاکتیکی مداوم، در تلاش برای حفظ منافع خود در مقابل نیروهای متخاصم است. وی در این گزارش می‌افزاید: «شبکه ایران نیم دوجین کشور را شامل می‌شود و موازنه راهبردی منطقه را آنچنان دستخوش تحول کرده که امروز هر کشوری بخواهد با ایران یا هم پیمانان او مبارزه کند، خود را در معرض چالش‌های نظامی متعدد، دادن تلفات گسترده، خسارت سنگین به زیرساخت‌ها یا ایجاد بی‌ثباتی در دیگر کشورها قرار می‌دهد. این موضوع حتی برای ایالات متحده و اسرائیل مجهز به تسلیحات اتمی یا عربستان سعودی که در سال ۲۰۱۷ پنجاه و پنج میلیارد دلار یا به عبارتی در حدود پنج برابر بودجه دفاعی ایران، هزینه نظامی داشته است هم صدق می‌کند» (Wright, 2010). از سوی دیگر ایران در طول دهه ۲۰۰۰ و اوایل دهه ۲۰۱۰، نفوذ قابل توجهی در سراسر آمریکای لاتین داشت و از دگرگونی و پویایی قدرت در دنیای چند قطبی و موج در حال افزایش احساسات ضد ایالات متحده در آمریکای لاتین به منظور نفوذ خود در این کشورها بهره‌برداری کرده است (Cafiero, 2020). این کشور در تلاش است تا اتحادهای قدیمی ضد آمریکایی را در آمریکای لاتین احیا و در این زمینه با کوبا و نیکاراگوئه روابط نزدیکی

برقرار کرده و با سایر کشورها مانند ونزوئلا، بولیوی و اکوادور برای خشتی کردن نفوذ آمریکا ائتلاف تشکیل داده است (Johnson, 2020)

نتیجه‌گیری

بدنبال فروپاشی نظام دو قطبی و بویژه واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا براساس مفروضه‌های رئالیسم تهاجمی، به دنبال بیشینه‌سازی قدرت، کنترل و واپایش مهاجمان و بازیگران رقیب، در مناطق مختلف جهان می‌باشد و این امر چالش‌ها و مسائل امنیتی نوینی را پدید آورده است که این پژوهش درچارچوب نظریه نواقع‌گرایی تهاجمی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی چالش‌های ساختاری بین‌المللی پساجنگ سرد و پیامدهای آن برمسائل امنیتی جهان معاصر را مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. یافته‌های آن نشان می‌دهد که یک جانبه‌گرایی، نظامی‌گری و اقدامات میلیتاریستی ایالات متحده آمریکا سیری صعودی داشته و این کشور با دارا بودن ۸۰۰ پایگاه نظامی رسمی در ۸۰ کشور جهان، ۴۰ درصد هزینه‌های نظامی جهان و همچنین بزرگترین صادرات کننده‌ی سلاح است. علاوه بر آن، فضا را به عنوان یک منطقه درحال جنگ مورد توجه قرار داده و با تشکیل نیروی فضایی درصدد نظامی نمودن آن می‌باشد. دوم این که تضعیف نهادها و رژیم‌های بین‌المللی رابطه معناداری با تضعیف چندجانبه‌گرایی و افزایش واگرایی دارد. به لحاظ موقعیت ایالات متحده در سیستم جهانی، این کشور به طور اجتناب‌ناپذیری، ماهیت و گسترش چند جانبه‌گرایی را تحت تأثیر خود قرار داده است. در دوره پساجنگ سرد علاوه بر تضعیف سازمان‌های بین‌المللی، با گسترش ناتوبه سمت شرق و ورود اعضای جدید، طرح تقویت ایده اروپای جدید در مقابل اروپای قدیم، سرمایه‌گذاری بر روی ائتلاف‌های موقت موجب مخالفت برخی کشورهای عمده اروپایی با اقدامات واشنگتن و واگرایی در این سازمان گردید و با روی کار آمدن دونالد ترامپ، این روند سیری صعودی یافت. مورد سوم این که ایالات متحده با جهانی‌سازی لیبرال دموکراسی بدنبال افزایش مداخله در امور کشورها و تحدید منافع و حاکمیت آن‌ها می‌باشد و در سال‌های پس از جهان دوقطبی، با استناد به تفسیرهایی که از قوانین بین‌المللی دارد، حق حاکمیت کشورها را نقض کرده و با سوءاستفاده از پوشش‌های بشردوستانه و اعمال گزینشی آن، دراموردیگر کشورها مداخله نموده است. به

گونه‌ای که در دوره پساجنگ سرد، تعداد مداخله‌های نظامی آن کشور از سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۷ به میزان چهار برابر و به ۱۸۸ مورد افزایش یافته است و مورد ائتلاف سازی در برابر قدرت هژمون و افزایش رقابت بین قدرت‌های بزرگ است به گونه‌ای در سندهای راهبرد دفاع ملی و امنیت ملی دولت‌های گذشته تاکنون بر این موضوع تصریح و ظهور مجدد رقابت استراتژیک بین قدرت‌های بزرگ را چالش کلیدی برای امنیت و رفاه این کشور عنوان شده است و تشکیل سازمان شانگهای، گروه بریکس و محور مقاومت نمونه‌های ائتلاف سازی و تقابل سایر قدرت‌ها در مقابل ایالات متحده آمریکا می‌باشد و پیش بینی می‌شود:

۱- در صورت تداوم روند فعلی، ایالات متحده آمریکا با استفاده ابزاری از حقوق بشر و کاربرد زور و نیروی نظامی به مداخله در امور کشورها و تحدید منافع و حاکمیت کشورهای مستقل و رقابت بین قدرت‌های بزرگ ادامه می‌دهد. گرچه قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا نسبت به قبل از حادثه ی ۱۱ سپتامبر کاهش یافته است.

۲- در صورت تداوم ائتلاف‌ها و اتحادها در مقابل قدرت هژمون (هم اکنون طلیعه آن نمایان شده است) و همچنین تقویت چند جانبه گرایی، رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی، جهان در شرایط چندقطبی قرار می‌گیرد و قدرت‌های منطقه‌ای جدیدی ظهور خواهند کرد.

۳- در صورت ادامه روند حذف دلار از روابط تجاری در جهان، قدرت اقتصادی آمریکا تضعیف و این امر قدرت نظامی آن کشور را تحت تأثیر و بودجه آن را با محدودیت جدی مواجه خواهد کرد.

۴- نگاه اصلی ایالات متحده به شرق آسیا و بویژه مهار چین متمرکز خواهد بود. البته در مرحله بعد روسیه، ایران و کره شمالی قرار دارند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). تحول مفهوم مداخله بشردوستانه در روابط بین‌الملل. مطالعات راهبردی، ۱۰ (۴)، ۸۰۷-۸۳۰.
- آبرین، رابرت؛ ویلیامز، مارک (۱۳۹۵). *اقتصاد سیاسی جهانی*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده و میترا راه نجات، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- احمدی‌لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷). *لابی و لابی‌گر در آمریکا*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- اندرزگو، سید محمود؛ نواده توپچی، حسین (۱۴۰۰). بررسی تضاد قاعده فقهی نفی سبیل با نظریه جهانی شدن و جهانی سازی. *مطالعات فقه اسلامی و مبان حقوق*، ۱۵ (۴۴)، ۷۸-۷۶.
- ایکنبری، جی. جان (۱۳۸۲). *تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)*. ترجمه عظیم فضلی پور، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- بزرگمهری، مجید؛ عباس‌پورباغبری، عباس (۱۳۹۳). بررسی روابط اتحادیه‌ی اروپا و ناتو، چالش‌ها و فرصت‌های موجود. *سیاست*، ۴۴ (۳)، ۶۶۲-۶۴۳.
- جانسون، چالمرز (۱۳۸۴). *مصائب امپراتوری: امپریالیسم نظامی آمریکا در قرن ۲۱*. ترجمه عباس کاردان و حسن سعید کلاهی خیابان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۷). *بررسی تحلیلی - تطبیقی ائتلاف سازی آمریکا پس از جنگ سرد*. مجلس و پژوهش، ۱۴ (۵۷)، ۶۲-۲۷.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۰). *قدرت‌های بزرگ و نقض رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر*. سیاست خارجی، ۲۵ (۳)، ۷۳۷-۷۵۶.
- حسن خانی، محمد؛ مسرور، محمد (۱۳۹۶). *ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده آمریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین‌الملل*. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۷ (۴)، ۱۸۴-۱۵۹.
- دبلیو کاکس، رابرت؛ جاکوبسن، هارولدکی (۱۳۸۰). *رنالیسم نو: چشم اندازی بر چند جانبه گرایی*. ترجمه مهدی رحمانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زمانی، ناصر (۱۳۹۲). *چشم انداز اقتصادی - سیاسی بریکس*. سیاست خارجی، ۲۷ (۱)، ۱۴۶-۱۱۹.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۴/۶/۱۳). *مشروح گفت و گوی اختصاصی مهر با دکتر عسگرخانی مدیر مطالعات منطقه دانشکده روابط بین‌الملل وزارت خارجه*. خبرگزاری مهر، قابل دسترسی در:

https://www.mehrnews.com/news/225978_1/4/1397

- عسگرخانی، ابومحمد، قهرمانی، محمدجواد(۱۳۹۲). افزایش قدرت چین و واکنش ایالات متحده و هند در برابر آن. تحقیقات سیاسی بین المللی، ۵(۱۷)، ۵۳-۳۵.
- علیخانی، مهدی(۱۳۹۲/۸/۱۰). فهرست بیش از ۱۰۰ جنایت و دخالت آمریکا در کمتر از یک قرن. خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/08/10/180095/1/4/1397>
- محمدیان، حمید(۱۳۸۴). پیامدهای هژمونی یک جانبه گرایی آمریکا در بحث افزایش اعضای شورای امنیت سازمان ملل. راهبرد، ۳(۳۸)، ۷۷-۶۷.
- مدرس، محمدولی؛ خلیلی، رضا؛ عطانزاد، حبیب(۱۳۹۶). نقش مجتمع های نظامی- صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. پژوهش های روابط بین الملل، ۷(۲۴)، ۲۱۴-۱۸۵.
- مراذخانی، حسن(۱۳۹۶/۱/۲۹). رئالیسم تهاجمی ترامپ در برابر سوریه. خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در: <https://rasanews.ir/fa/news/492217,1/4/1397>
- میرشایمر، جان(۱۳۹۳). تراژدی سیاست قدرت های بزرگ. تهران: وزارت امور خارجه.
- میلسن، ژان؛ فون هام، پیتر(۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل. ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ سوم.
- نای، جوزف(۱۳۹۵). آینده ی قدرت. ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- Adel,Nabil.(2021).The crescent of Influence:The rise of Iran as a regional power in the middleeast,Octobre2021,at:<https://revues.imist.ma/index.php/EGSM/article/download/28423/14787>
- Agrawal, Nina .(2016).The U.S.is no stranger to interfering in the elections of other countries. <http://www.latimes.com/nation/la-na-us-intervention-foreign-elections-20161213-story.html>.
- Aris, Stephen.(2013).Shanghai Cooperation Organization,Mapping Multilateralism In Transition,NO.2,at:https://www.ipinst.org/wp-content/uploads/publications/ipiepub_shanghai_cooperation.pdf
- Brennan,David.(2018). America Arming The World: U.S.Sellsmore Weaponsin 6 Months Than All Of 2017,[https://www.Newsweek.com/America-Arming-World-Us-Sells-More- Weapons-6-Months-All-2017-1034926](https://www.Newsweek.com/America-Arming-World-Us-Sells-More-Weapons-6-Months-All-2017-1034926).
- Beswick,Emma.(2018). Which countries spend the most on their,military? May2,at:<http://www.euronews.com/2018/05/02/which-country-spent-the-most-on-its-military-in-2017>.

- Bradley, Simon. (2018). Trump chips away at multilateral institutions, January 25, at: <https://www.swissinfo.ch/eng/politics/international-geneva-trump-chips-away-at-multilateral-institutions/43836642>.
- Cafiero, Giorgio. (2020). Trump fights Iran's 'Axis of Resistance' in Latin America, February 28, at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/trump-fights-irans-axis-of-resistance-in-latin-america/>
- Dasilva, Chantal. (2018). Trump will make it easier for U.S. firms to sell weapons to foreign governments, <https://www.newsweek.com/trump-looks-loosen-restrictions-arms-sales-boost-business-overseas-773852>.
- De Chatel, Francesca. (2003). The United Nations is just an instrument at the service of American policy, Mar 17, at: <https://www.theguardian.com/world/2003/mar/17/Iraq.usa2>
- Duffy Toft, Monica. (2017). Why is America Addicted to Foreign Interventions?, December 10, at: <https://nationalinterest.org/feature/why-america-addicted-foreign-interventions-23582>.
- D. P. Johnson, Dominic., A. Thayer, Bradley. (2016). The evolution of offensive realism: Survival under anarchy from the Pleistocene to the present, June 21, at: <https://www.cambridge.org/core/journals/politics-and-the-life-sciences/article/evolution-of-offensive-realism/56B778004187F70B8E59609BE7FEE7A4>
- E. Lobell, Steven. (2017). Structural Realism/Offensive and Defensive Realism, December 22, at: <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190846626.013.304>
- French Institute of International Relations. (2018). Europe in the Face of US-China Rivalry, Jan 28, at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/etnc_report_us-china-europe_January_2020_complete.pdf
- F. Sweis, Rana. (2011). American Military Interventions in Post-9/11 World, May 25, at: <https://www.huffingtonpost.com/rana-f-sweis/american-military-interventions-171078.html>.
- Global Policy Forum. (2005). US Military and Clandestine Operations in Foreign Countries - 1798-Present, December, at: <https://www.globalpolicy.org/us-westward-expansion/26024-us-interventions.html>.
- Harper, Daniel. (2013). US and EU Differences in the Use of Military Force, <http://www.eur-ir.info/2013/08/03/European-American-Differences-Towards-The-Use-of-Military-Force>.

- Johnson, Stephen. (2018). Trump orders creation of new military branch: 'Space Force', June 19, at: <https://bigthink.com/stephen-johnson/trump-tells-pentagon-to-create-new-military-branch-space-force>.
- Johnson, Stephen. (2020). Iran Is Working Hard to Revive Anti-U.S. Operations in Latin America, June 1, at: <https://foreignpolicy.com/2020/06/01/iran-venezuela-alliances-latin-america/>
- Koren, Marina. (2018). What Does Trump Mean By 'Space Force'?, March 13, at: theatlantic.com/science/archive/2018/03/trump-space-force-nasa/555560/.
- Lawder, David., Mason, Jeff. (2018), Trump sets steel and aluminum tariffs but exempts Canada, Mexico, March 8, at: <https://www.Reuters.com/Articale/US-China-USA-Tramp/China-Warns-Of-Necessary-Response-In-Event-Of-Trade-War-With-U-S-Iduskcnlgk09c>.
- Longley, Robert. (2022). What Is the Democratic Peace Theory? Definition and Examples, January 2, at: <https://www.thoughtco.com/democratic-peace-theory-4769410>
- Mcgrath, Timothy. (2014). The US is now involved in 134 wars or none, depending on your definition of 'war,' December 8, at: <https://www.pri.org/stories/2014-09-16/us-now-involved-134-wars-or-none-depending-your-definition-war>.
- M. Walt, Stephen. (2019). Asia Has Three Possible Futures, September 5, at: <https://foreignpolicy.com/2019/09/05/asia-has-three-possible-futures>.
- Nephew, Richard and Goldenberg, Ilan. (2018). Here's What to Expect Now That Trump Has Withdrawn From the Iran Nuclear Deal, May 9, at: <https://Foreignpolicy.com/2018/05/09/Heres-What-to-Expect-Now-That-Trump-Has-Withdrawn-From-The-Iran-Nuclear-Deal/>.
- Peter G. Peterson Foundation. (2023). The United States Spends More on Defense Than The Next 10 Countries Combined, 24 April, at: <https://www.pgpf.org/blog/2023/04/the-united-states-spends-more-on-defense-than-the-next-10-countries-combined>. Pew Research Center. (2016). America's global role, U.S. superpower status, May 5, at: <https://www.pewresearch.org/politics/2016/05/05/1-americas-global-role-u-s-superpower-status/>
- National Archives. (2018). President Donald J. Trump is Rebuilding and Readying Our Military to Defend Against All Threats, August 13, at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/president-donald-j-trump-rebuilding-readying-military-defend-threats>.

- Slater, Alice. (2018). The US has Military Bases in 80 Countries. All of Them must Close, January 24, at: <https://www.thenation.com/article/the-us-has-military-bases-in-172-countries-all-of-them-must-close>.
- Sputnik News. (2018). Trump's Tariffs Plan Could Lead to Deep Global Recession—WTO, March 3, at: <https://sputniknews.com/world/201803061062261604-trump-tariffs-global-recession>
- Stockholm International Peace Research Institute. (2012). 5. Arms production and military services, at: <https://www.sipri.org/yearbook/2012/05>
- Swanson, Ana., Ewing, Jack. (2018), Trump's National Security Claim for Tariffs Sets Off Crisis, Aug. 12, at: <https://www.nytimes.com/2018/08/12/us/politics/trumps-tariffs-foster-crisis-at-the-wto.html>.
- Tharoor, Ishaan. (2023). The 'old Europe' vs. 'new Europe' paradigm is back, April 17, at: <https://www.washingtonpost.com/world/2023/04/17/old-europe-new-rumsfeld-eastern-europe>
- The Economist. (2018). The odds on a conflict between the great powers, January 1, at: <https://www.economist.com/special-report/2018/01/25/the-odds-on-a-conflict-between-the-great-powers>.
- The White House. (2017). National Security Strategy of the United States of America." The White House, Dec, at: www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf
- The White House. (2022). National Defense Strategy, October 12, at: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>
- U.S. Department of Defense. (2018). Summary of the United States of America, National Defense Strategy, Sharpening the American Military's Competitive Edge, at: <https://www.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf>.
- Veteran.com. (2018). 2018 Defense Budget, <https://militarybenefits.info/2018-defense-budget-interview>.
- Vinci, Anthony. (2020). Competitive Climate: America Must Counter China by Investing in Economic Intelligence, February 4, at: <https://nationalinterest.org/feature/competitive-climate-america-must-counter-china-investing-economic-intelligence-120356>
- Xinhuanet. (2021). Facts on U.S. breaching international rules, April 20, at: http://www.xinhuanet.com/english/2021-04/20/c_139893941.htm

- Xue, Yamei., Mwadi Makengo, Benjamin. (2021). Twenty Years of the Shanghai Cooperation Organization: Achievements, Challenges and Prospects, at: <https://www.scirp.org/journal/paperinformation.aspx?paperid=112637>.
- Worldview Powered by Stratfor. (2014). China's Outsized Role in Two New Multilateral Financial Institutions, Jul 14, at: <https://worldview.stratfor.com/article/chinas-outsized-role-two-new-multilateral-financial-institutions>.
- Wright, Robin. (2010). Iran Entrenches Its "Axis of Resistance" Across the Middle East, September 19, at: <https://www.newyorker.com/news/our-columnists/iran-entrenches-its-axis-of-resistance-across-the-middle-east>